

## با توجه به این که فطرت ما بر اساس توحید سرشته شده است، از فهم حقانیت سیر خود حتی در ابتدای راه بیگانه نیستیم

شماره پرسش: ۲۰۳۵۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۶/۳۱ ۲۲:۰۱:۴۹

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام و عرض ادب و احترام خدمت استاد طاهرزاده: با توجه به حجم سوالات ارسالی بدون مقدمه سوالم را می پرسم هر چند چنین بی مقدمه سوال پرسیدن جسارت شاگرد در محضر استاد است ولی اقتضای مدرنیته و سوال پرسیدن از پشت صفر و یک های مجازی جز این نیست. پس حقیر را بر این جسارت ببخشید. حضرت استاد با در نظر گرفتن مقدمات سوال: من جمله اینکه منظور از عرفان؛ عرفان ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است که در بستر روح تاریخی هر عصر و ذیل آیه ی «کل یوم هو فی شأن» و در مرتبه ی نازله، ذیل انوار اشراقی حضرت روح الله و تفصیل حضرتشان در شخصیت مقام معظم رهبری و بدور از هرگونه سوژکتیویته و ذهنیت پرستی و بر مبنای استوار و محکم معرفت نفس در «وجود» سیر می کند و دیگر اینکه غالبا در ابتدای راه، استاد خاص حاصل نمی شود و شرح احوالات و طلب سنجیدن آن از توانایی های استاد عام بیرون است و اما سوال: جایی فرمودید آقا نجفی قوچانی رحمه الله علیه در گزارشات برزخی خود تحت عنوان «سیاحت غرب» به برهوتی اشاره می کند که از آن عبور می کند و این برهوت حجاب کثرت و اعتباریات است. عصاره ی سوال اینجاست که سالک تازه وارد که از لحاظ برهانی و عقلانی کاملا درک می کند صحت مطالب را و «عقل نظری» در خاک کثیف این برهوت نمانده است و به حق مطلب در موطن تفکر آگاه است چگونه از حال «قلب» باخبر بشود و بفهمد که از این حجاب مذکور عبور کرده است یا نه؟ حال آنکه به اقتضای ابتدای مسیر بودن نه کشف و شهودی در میان است که از این بابت آسوده خاطر شود و نه آنقدر به احوال قلب و نفس آگاه است که بتواند خود بر این معنا واقف شود. عرضم تمام جز اینکه منظورم از درک این مطلب که فلان مرحله عرفان را در موطن قلب طی کرده است یا نه؛ دو بخش اصلی دارد: یک اینکه مرحله ای مشخص و معین (نه اینکه بگوییم هر چه به خدا نزدیک تری یا حال نمازت بیشتر است پس جلوتری) دو اینکه مشخص بفهمد در عبور از این مرحله چه قدر موفق بوده و چه قدر از راه باقی است. و اینکه اگر جواب اینست که این سنجش در ابتدای مسیر ابدی رخ نخواهد داد پس چگونه ابتدا را به انتها برسانیم که چون کور مادرزادی در جاده پر خطر معرفت نفس قدم برمی داریم و درست نمی دانیم کجا هستیم و چه چیزهایی را گذرانیم و چه چیزهایی را نه، محال به نظر نمی رسد؟ بسیار بسیار بابت حضورتان اولاً و صبر و حوصله تان در پاسخ دادن ثانیاً و تیم فوق العاده همراه تان ثالثاً سپاسگزارم. یا حق.

باسمه تعالی: سلام علیکم: با توجه به این که فطرت ما بر اساس توحید سرشته شده است، از فهم حقانیت سیر خود حتی در ابتدای راه بیگانه نیستیم مگر آن که هدفی و قصدی غیر از رجوع به حضرت حق داشته باشیم که در آن صورت، خود را باید ملامت کنیم. بنابراین حرف همیشگی خود را تکرار می‌کنم که:

تو پای به راه در نه و هیچ می‌پرس      خود راه بگویدت چون باید کرد

تا ما تماشگر باشیم این سؤالات را داریم، ولی وقتی بازیگری پیشه کردیم راه، به خودی خود گشوده می‌شود و دوگانگی سوپژه و اُبژه چون گردی بر هوا می‌رود. موفق باشید